

دامنه آزادی در اسلام

لا تكن عبد غيرك وقد جعلك الله حراً

«علی علیه السلام»

(بنده دگران مباش با آنکه خدایت آزاد آفریده)

بدنبال اختلافهای قرون وسطائی و آزارها و شکنجه های زور مندان و فسادهای کلیسا؛ ظهور تمدن جدید، طبعاً بایک نوع آزادیخواهی همراه بود و کلمه آزادی یکی از شعار های تمدن جدید شد، و همه جادو شادوش آن پیش آمد؛ تا آنجا که حس مرده آزاد بخواهی در ملل بزرگ و کوچک بیدار شد و همگان این ندا را بلند کردند و جمعی معتقدند بآن رسیده اند و گروهی هم در آستانه آن فرار گرفته و مردمی هم دورنمای آزادی را با آمو آرزو و یا با داد و فریاد، تماشا میکنند. و رو به مرفته این کلمه بعنوان يك خاطرۀ خوش بایک ایده بزرگ جای خود را در دلها باز کرده است و کم کم در کلیه شئون انسانها هم سر زده و می رود که بمعنای وسیع و نامحدود خود همه جا حکومت کند گویانکه تغییر شکل داده و در قیافه «بی بند و باری» جلوه می نماید؛ بدین مناسبت فعلاً بعنوان يك مدخل برای این بحث دامنه دار، سطور ذیل را از نظر خوانندگان میگذرانیم:

بشر فطرتاً می خواهد که آزادانه با آنچه میل دارد عمل کند، در انتخاب خوراک و لباس و مسکن، گفتار و فکر و عقیده و بالاخره کلیه شئون آزاد باشد و هیچگونه محدودیتی از هیچ ناحیه برایش پیش نیاید ولی از طرفی هم با احساس احتیاج به متوعان خود و فطرت اجتماعی، می خواهد که با مردم دیگر آمیزش کند و چون تمایلات نامحدود و منافع محدود است، طبعاً تصادم منافع پیش خواهد آمد، و چون مجبور است که با مردم آمیزش کند، از اینجا يك نوع محدودیت های اجتماعی پیش می آید و این حس طبعاً غریزه اول را تعدیل و کنترل میکند. تا اینجا آزادی مطلق تا اندازه ای محدود شد، محدود بحدود و مقررات خاص اجتماعی. اگر بخوانیم آزاد با مردم زندگی کند چاید با آزادی دیگران صدمه نزند. مال و عرض، جان و... و بالاخره منافع

دیگران را در خطر نیاندازد. چون واکنش و عکس العمل اجتماعی تعرض و سلب آزادی دیگران سلب آزادی از خود اوست. بهر اندازه که افراد مجتمع زیادتر و بهره های محیط کمتر باشد قوانین و مقررات و محدودیتها بیشتر میشود تا از اصطکاک منافع و در نتیجه نزاع و اختلاف و بالاخره هرج و مرج جلوگیری کند.

جوامع متمدن هدفی جز حفظ نظام اجتماعی ندارند و قلمرو مقررات آنها هم از حدود اجتماع و مصالح اجتماعی تجاوز نمیکنند، ولی محیط فکر و عمل، اخلاق و عقیده و روح را آزاد گذارده اند، و تلاشهای آنها در این موارد، اگر هم باشد از حدود تشریفات نمیگذرد!

اما اسلام: اسلام محیط وسیعتری را در نظر گرفته است. او میخواهد اجتماع منظم باشد؛ فکر منظم باشد، اخلاق پاک، عمل صحیح، روح هم متکامل و آزاد باشد... اذاد همه شئون دستور دارد او بهمه جاسر میزند و از همه جا پیروز بیرون میآید، با عمق دل و روح، بزبان و گوش و سایر اعضاء یک فرد، با افراد، با اجتماعات، بملل، بجامعه انسانیت، بهمه چیز توجه دارد.

۱. میخواهد همانطور که نظم و سازش عمومی بین دستگاہهای عالم، بین اجرام سماوی و نوامیس طبیعی برقرار است، همینطور هم روابط و نظم صحیح بین پدیده های فکری، زندگی مادی و معنوی، بین افراد و جوامع، بین زندگی این سرا و سراهای دیگر برقرار باشد.

سعادت نوامیس طبیعی و کلیه پدیده های کوچک و بزرگ دستگاہ آفرینش در آن است که در مسیر معین خود، به پیروی از نظام عمومی عالم حرکت کنند، یک الکترون اگر از مدار خود در دل اتم بیرون رود موجب انفجار میشود و آتشی تولید میکند که خانمانها را بر باد میدهد.

سعادت انسانها هم در آنست که از نظام و مقررات عمومی عوالم و جهات مختلف انسانی تخلف نکنند. انسان چون انسان است شئون مختلف مادی و معنوی دارد. و آن نظام، یککه همه این شئون را اداره کرده و بهم پیوند دهد میتواند برای مجتمع بشری

کاخ سعادت در محیط تشریح ، همچون کاخ رفیع عالم هستی در محیط تکوین ، بسازد تخلف از مدار چنین نظامی ، موجب آشفته‌گی و درهم ریختگی کلیه شئون انسانی است .

حریت در اسلام

در کلمات پیشوایان دینی کلمه حر - احرار ، استعمال شده است ، و مقصود از آن آزادی از قید بندگی خلق و مادیات و ستایش و کرنش در مقابل پول و قدرت است اسلام می‌خواهد کششها ، محبتها ، توجهها همه بیک طرف باشد : با آنکه پدید آورنده همه چیز است . او می‌خواهد بشر از قید اسارت خلق برهد تا آزاد شود . لکن عبد غیر لک و قد جعلک الله حراً (علی - ع) :

بنده دگران مباش ، با آنکه خدایت آزاد آفریده است .

بسر باز وارسته و آزاد فکر اسلام ، حر بن یزید ریاحی ، گفتند : بیخ بیخانت حر کما سمیت فی الدنیا و الاخرة (حسین بن علی علیه السلام) مرحبا بشو ، تو در دنیا و آخرت آزادی همانطور که نامت راه حر ، گذاردند .

او آزاد فکر کرد و در مسیر عدالت واقعی و مدار سعادت انسانی وارد شده و

آزاد شد .

اسلام بندگی غیر خدا را امضا نمی‌کند خواه بت باشد یا ماه و ستاره و خواه زورمند و حاکم و فرمانده ، حکومتها برای حفظ نظام اجتماعند نه برای مکیدن خون اجتماع و پایمال کردن حقوق آنان ؛

حاکم حق ندارد بفقیر مردم تجاوز کند یا توقع نیایش و کرنش از خلق داشته باشد . او بر گزیده خود مردم است و در اختیار مردم . اسلام امتیازات طبقاتی را الغاء کرد و سازش و صفای خاصی بین فقیر و غنی ، حاکم و رعیت برقرار ساخت ، يك حاکم مقتدر اسلامی بر اثر تربیت اسلامی ؛ مثل مردم ، بین مردم رفت و آمد می‌کرد و همه حق داشتند ، آزادانه با او پیشنهاد کنند ، انتقاد نمایند در کارش دخالت کنند .

او حکومت را برای بهره‌رساندن و اقامه حق و عدل می‌خواست ، نه برای بهره‌بردن

الان اقيم حقا و اذفع باطلا (علی - ع) علی علیه السلام حکومت در نظرش از همه چیز پست تر بود جز اینکه از این راه بتواند حقی را بیای دارد یا جلو باطلی را بگیرد.

اسلام میگوید: مردم در عین آنکه باید دنیا را آباد کنند؛ نباید اسیر و بنده آن باشند علی علیه السلام بهای انسان را بهشت میدانند و میفرماید: الا حریدع هذه اللماظة لاهلها انه ليس لانفسكم ثمن الا الجنة فلا تبوهها الا بها آیا آزاد مردی نیست که این نیمخوار را برای اهلش بگذارد برای شما قیمتی جز بهشت نیست، خود را بچیز دیگری نفروشید.

وقتی یکی از صفه نشینان پیغمبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: آنچه ان شده ام که طلا و سنگ در نظرم یکسان است. فرمود: قد صرت حرا: آزاد شدی.

گاهی علی بن ابیطالب علیه السلام بیاد گذشتهگان خطاب بمردم کوفه میفرمود: این اختیار کم و صلحانکم و احرار کم و سمحانکم. گجایند خوبان و شایستگان شما؟ گجایند آزادگان و بلند همتان شما؟ گاهی هم میفرمود: شما آن آزادگان پایداری و راستگویی نیستید که وقتی فریاد مرا بشنوید به پیش آئید و همگامی و همکاری کنید لا احرار صدق عند الله این شکوه علی بوده که در برابر مردم اسیر و بنده نفس کوفه میگرد.

آزادگی در منطق علی علیه السلام تا آن اندازه اوج میگیرد که حتی از عبادتیکه با امید بهشت و ترس از دوزخ، از انسان سرزند میگذرد، و فقط عمل و عبادتی را که برای او باشد؛ شامل شده و بصورت عبادت احرار جلوه میکند. وقوم عبادوا الله شکر آفتك عبادت الاحرار

آزادی فکر

اسلام نه تنها مردم را در تفکر آزاد گذارده است؛ بلکه دعوت بتفکر کرده و یکساعت فکر را از سالها عبادت بهتر دانسته است، میدان فکر و تحقیق را در همه جا برای همه آزاد گذارده است. محیط وسیع جهان را قلمرو فکری او قرار داده و پال و پر علم را هم برای پرواز در این فضای پهناور بمدش فرستاده است. . . . وای

